



## نتیجه انتخابات آمریکا:

### ادامه استعمار در داخل و جنگ

### و سلطه‌گری در خارج

کمونیست‌ها همیشه گفته‌اند که دموکراسی بورژوائی فریبی بیش نیست و در حقیقت دموکراسی هست، اما برای اقلیتی محدود از صاحبان قدرت و ثروت. تاریخ بارها نشان داده و هر نسلی از بشر به تجربه نیز مشاهده کرده است که این تحلیل مارکسیسم از دموکراسی نوع بورژوائی و مرسوم آن حقیقتی انکارناپذیر است با این وجود هنوز افراد زیادی هستند که هر چند ادعا می‌کنند به آن اقلیتی محدود تعلق ندارند اما ما را شمات می‌کنند که در تحلیل خود جنبه‌های مثبت دموکراسی بورژوائی را نادیده می‌گیریم، که در کشورهای نظیر ایران یک آرزو است که برای تحقق آن باید مبارزه کرد، مثل آزادی‌های مدنی سیاسی که در دموکراسی‌های بورژوائی کشورهای معظم سرمایه‌داری نظیر ایالات متحده آمریکا شاخص‌ترین و متکامل‌ترین و پر ادعاترین دموکراسی بورژوائی برقرار است. البته این اتهامی رزیلانه بیش نیست. کمونیست‌ها همواره پیشگام مبارزات دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی در همه کشورهای جهان از جمله کشورهای نظیر ایران و آمریکا بوده و هستند. آنچه که به‌نام دموکراسی و آزادی‌های مدنی در این کشورها مطرح است، دستاورد مبارزات طبقه کارگر با پیش‌گامی کمونیست‌ها بوده است اما همین دستاوردهای نیز در این دموکراسی‌ها به انواع حیل مخدوش شده و تا جایی مورد قبول طبقه حاکم است که منافع او را به خطر ناندازد علاوه بر آن این دستاوردهای دموکراتیک در ساختار جوامع بورژوائی صرفاً به تزئین دیکتاتوری و انحصارطلبی جناح‌های بورژوازی تبدیل شده است. جایی نظیر آمریکا هر چهار سال یکبار مردم را به پای صندوق‌های رای می‌آورند تا به نماینده یکی از جناح‌های قدرتمند بورژوازی که در دو حزب دموکرات و جمهوری خواه متشکل شده‌اند و میلیاردها دلار خرج کمپین‌های انتخابات می‌کنند رای دهند، نمایندگان واقعی اکثریت مردم یعنی توده‌های کارگر و زحمتکش محلی از اعراب ندارند.

ادامه در صفحه ۲

## ادامه اعتصاب غذا در هفته چهل و سوم از کارزار

### ”سه‌شنبه‌های نه به اعدام“ در ۲۵ زندان مختلف

اعدام‌های سبعانه در سالگرد قیام آبان ۱۳۹۸

همزمان با پنجمین سالگرد اعتراضات مردمی در قیام آبان ۱۳۹۸ شاهد افزایش اعدام‌های سبعانه و صدور این احکام ضدانسانی بویژه برای جوانانی هستیم که در اعتراضات ۱۴۰۱ بازداشت شده‌اند.

صفحه ۵

## پاسخ به سوالات

### چرا از “شورای همکاری” خارج شدید؟!

صفحه ۱۱

## افزایش خودکشی در میان جوانان ایران؛ فریادی خاموش

### علیه فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سنت‌های مردسالارانه

صفحه ۴

## کوتاه درباره

### تبلیغ، آژیتاسیون و پروپاگاندا:

### درک تفاوت‌ها و اهمیت عملی

صفحه ۹

## به مناسبت یک‌صد و هفتمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی

صفحه ۶

## انقلاب اکتبر و لغو قراردادهای اسارت‌بار و معاهده سری روسیه

صفحه ۷

## تزاری و انگلیس برای تقسیم ایران

## نتیجه انتخابات آمریکا:

### ادامه استعمار در داخل و جنگ و سلطه‌گری در خارج

انتخابات اخیر ایالات متحده آمریکا هم استثنائی بر این قاعده نیست که دموکراسی در این کشورها تنها برای اقلیت ناچیزی از طبقه حاکم برقرار است. دموکراسی در آمریکا آزادی رقابت بین دو حزب حاکم در ایالات متحده آمریکا، میان ترامپ و هریس معنی می‌یابد. میان دو جناح از ثروتمندان یعنی ادامه استعمار در داخل و اعمال دیکتاتوری و ستم استعمار و جنگ و ویرانی در اقصی نقاط جهان این است دموکراسی بورژوازی یعنی پیروزی سرمایه‌داران و مجبور کردن کارگران برای گزینه‌ای مرگبار بین نماینده این و یا آن جناح از سرمایه‌داران.

برای واکاوی این که عمده رای دهندگان به ترامپ از طبقه کارگر و تهی‌دستان بودند نشان از این واقعیت دارد که بحران مالی ۲۰۰۸ به این سو اقتصاد ایالات متحده به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان با چالش‌های زیادی مواجه شد پس از بحران، دولت آمریکا و بانک مرکزی اقدامات گسترده‌ای برای تثبیت اقتصاد انجام دادند. این اقدامات شامل بسته‌های محرک اقتصادی، کاهش نرخ بهره و خرید دارایی‌های مالی بود پس از بحران، اقتصاد آمریکا به تدریج بهبود یافت و رشد اقتصادی بازگشت. با این حال، چالش‌هایی مانند نابرابری درآمدی، بدهی‌های دولتی و برخی مشکلات ساختاری موجب شد تا در دوره بحران کرنا و بعد از آن اقتصاد آمریکا با تورم و رکود همراه شد به افزایش گسترده فقر، بیکاری و هزینه‌های کمر شکن مایحتاج زندگی توده به اعتراضات و اعتصابات متعدد دامن زد.

در ماه اکتبر اعتصاب بیش از ۵۰ هزار کارگر بنادر که خواهان افزایش دست‌مزدها، پایان دادن به اخراج، کاهش حجم کار و تضمین حقوق بازنشستگی شدند. اعتصابات بزرگ ده‌ها هزار نفری بوئینگ، ده‌ها هزار کارگر هتل و خدمات عمومی برای افزایش دستمزدها برگزار شد. برغم

موفقیت برخی از اعتصابات اما در آستانه انتخابات، کمپین انتخاباتی گسترده دو طرف مبارزه واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان را از عرصه کارخانه و میداین شهرها به نبرد برای قدرت سیاسی دو جناح از کلان سرمایه‌داران سوق داد.

مبارزه انتخاباتی کاندیدای این دو جناح به سیرکی تهوع‌آور و نمایشی از بگو مگوها و تحقیر و توهین و ایرادگیری‌ها به قد و قواره و رنگ پوست هم دیگر و سخنان پیش پا افتاده کاندیداها ختم می‌شد که به همراه کف زدن و هورا کشیدن هوادارانی بود که با خرج میلیون‌ها دلار در محل‌های تزئین شده سخنرانی‌ها جمع می‌کردند. مدیای دو طرف چنان فضائی به وجود آورده بودند که برنامه کاندیداها برای رفع مشکلات اقتصادی، سیاسی، محیط زیستی و فقر و جنگ و شکاف طبقاتی محلی از اعراب پیدا نکند.

با این حال از لابلای گفتارها و ادعاها می‌شد فهمید که هر دو جناح سرمایه‌داری نا توان از ارائه راه حل بحران کنونی چه سمت‌گیری را مطلوب منافع خود ارزیابی می‌کنند.

پلانفرم کاملاً هریس در شعار «مسیری جدید به جلو و فرصتی برای رقابت و موفقیت» «منعکس بود و اینجا و آنجا از جمله مبارزه با افزایش قیمت‌ها، یارانه مسکن به فقرا، معافیت‌های مالیاتی برای خانواده‌های کم درآمد، افزایش مالیات شرکت‌ها تا ۲۸ درصد و گسترش بیمه سلامتی، اختیار سقط جنین و حمایت از حقوق اقلیت‌های جنسی را جزو برنامه آینده خود اعلام می‌کرد که برای جذب طبقه کارگر و اقشار محروم طراحی شده بود. اما این وعده‌ها کاریکاتوری از همان وعده‌های انتخاباتی چهار سال قبل بایدن بود که مردم پوچ بودن آنها را در سال‌های گذشته تجربه کرده بودند. عجیب است

که این وعده‌های توخالی هم برای محافل کلان سرمایه‌داران قابل تحمل نبود. ترامپ مدعی شد که «رفیق کاملاً می‌خواهد کنترل‌های سوسیالیستی قیمت را برقرار بکند. این تسلط کمونیستی بر کشور ما ست «ایلان ماسک یکی از ثروتمندترین‌های روی زمین که با پخش میلیون‌ها دلار برای ترامپ رای جمع می‌کرد مدعی شد هریس یک کمونیست به تمام واقعی کلمه است «ترامپ وعده داده است که مالیات بر شرکت‌ها را تا ۱۵ درصد کاهش دهد و از همان اول شروع به شناسائی و اخراج متعصبان مارکسیست از آموزش و پرورش خواهد کرد» مقررات تجاری را حذف اختیارات اتحادیه‌های کارگری و بودجه ایمنی و بهداشت محیط کار را کاهش خواهد داد. مورد دیگری که ترامپ در تبلیغات انتخاباتی زیاد مطرح می‌کرد جبران کسری بودجه شش تریلیون دلاری آمریکا از طریق اعمال تعرفه به واردات کالاها از جمله تعرفه ۶۰ درصدی به کالاهای وارده از چین بود که عملاً به رشد تورم منجر شده و فشار اقتصادی آن بر گرده طبقه کارگر و زحمتکشان گذاشته خواهد شد.

با این حال دیدیم که هرچه پیروزی راست افراطی آمریکا در چشم انداز نمایان می‌شد سهام شرکت‌ها و موسسات مالی که میلیون‌ها دلار کمک به کمپین انتخاباتی ترامپ داده بودند و از انتخاب او منتفع می‌شدند، بالا رفت و سرمایه‌گذاران شروع به خرید سهام کردند. سهام بانک‌ها و شرکت‌های عظیمی همچون سستی بانگ، جی پی مورگان، شرکت ارز دیجیتال، امپراتور زندان‌های خصوصی، بانک آمریکا، بانک‌های وال استریت، کانتور فیتز جرال و ده‌ها موسسه مالی و شرکت‌های دیگری که از روی کار آمدن راست افراطی سود می‌بردند. واکنون با برنده شدن ترامپ این کوسه‌های وال استریت و

تمام آن شرکت‌ها و افراد میلیاردری که به کمپینگ ترامپ پول و امکانات رسانه‌ای داده بودند، مترصد بدست آوردن پست‌های مهمی در دستگاه دولتی و قانونگذاری و سایر موسسات پر آب و نان هستند تا از طریق تسلط به قدرت اجرائی و قانونگذاری آنچه که به نفع شان است تصویب کرده و به اجرا بگذارند و قراردادهای میلیاردی از بودجه عمومی و دسترنج زحمتکشان و در آمدهای ناشی از خون و رنج مردمان دیگر کشورهای گرفتار در جنگ و ویرانی را ببلعند .

از لحاظ سیاست خارجی هم نباید انتظار تغییرات مهمی داشت. هر دو جناح سلطه طلب و جنگ افروز می‌دانند که با دامن زدن به جنگ و درگیری در نقاط مختلف جهان میلیاردها دلار از طریق فروش تسلیحات عایدشان می‌شود. به‌علاوه هر دو جناح از ادامه و تحکیم رهبری آمریکا و برتری بی چون و چرای آن بر رقبای اقتصادی و نظامی در جهان دفاع می‌کنند. هر دوی آنها چین را دشمن و چالش اصلی دانسته و هدف خود را ادامه رهبری آمریکا و پیروزی آن در رقابت‌های قرن بست و یکم اعلام کرده‌اند .

در خاور میانه نیز که اکنون درگیر جنگی ویرانگر است در رابطه با استراتژی عمومی آمریکا مبنی بر ادامه سلطه بر منطقه اختلاف جدی میان دو جناح بورژوازی آمریکا وجود ندارد. دفاع بی قید و شرط از اسرائیل و نسل کشی آن در فلسطین و لبنان و حفاظت از منافع آمریکا و احتمال گسترش جنگ و کشانیده شدن پای ایران به جنگی مستقیم و در ادامه جلوگیری از نفوذ چین و روسیه و ایجاد و یا تقویت گروه هائی نظیر داعش و القاعده در افغانستان تاجیکستان و سایر نقاط هم مرز با چین و روسیه از جمله اهداف بلند مدت استراتژی آمریکا بوده و خواهد بود که تنش در منطقه را افزایش خواهد داد. در مورد مناطق دیگر در گیر جنگ، نظیر اوکراین، با روی کار آمدن ترامپ سیاست آمریکا تغییر چندانی نخواهد کرد. تنها تفاوت این است که جمهوری خواهان می‌خواهند بار بیشترمخارج جنگ را بر دوش متحدان اروپایی خود بگذارند. این درحالی است که تشدید تنش در آسیای شرقی و دریای چین و جزیره تایوان نیز که ائتلافی از ژاپن ، استرالیا و دیگر کشورهای کوچک به رهبری

امپریالیسم آمریکا در حال تدارک هستند، بی شک در دوره ترامپ تشدید خواهد شد.

با روی کار آمدن راست افراطی، امپریالیسم آمریکا هارتر از قبل برای خروج از بحران به اقدامات جنون آمیزی دست خواهد یازید، به‌ویژه در فضائی که راست افراطی و جریانات فاشیستی در کشورهای معظم سرمایه‌داری در حال قدرت‌گیری هستند .

گردش به راست افراطی طبقه حاکم در آمریکا به تشدید سیاست فشار اقتصادی و سرکوب در داخل و اتخاذ سیاست‌های تهاجمی‌تر در عرصه بین‌المللی منجر خواهد شد. این واقعیت را نباید فراموش کرد که عروج راست افراطی و جریانات فاشیستی نتیجه تشدید بحران سرمایه‌داری است که برای خروج از آن هم چون مواردی که در قرن گذشته اتفاق افتاد و منجر به جنگ‌های اول و دوم شد در نهایت به جنگ و کشتار متوسل می‌شود و در داخل نیز سیاست‌اش دامن زدن به تبلیغات ناسیونالیستی و شونیستی و مهاجرت‌ستیزی و نژادپرستی و انداختن گناه به گردن خارجی‌ها، زنان، دگرباشان جنسی، فعالین محیط زیست است تا طبقه کارگر و زحمتکشان را از درک علل اصلی اذبار خود باز داشته و آنها را به جان هم طبقه‌ای‌های خود باندازند و یا در جبهه‌های جنگ قربانی ولع سیری ناپذیر سود شرکت‌های خود بکنند.

در انتخابات اخیر آمریکا راست افراطی تمام اهرم‌های قدرت را تسخیر کرده و در سایر کشورهای اروپایی نیز در حال تقویت است کمونیست‌ها و پیشگامان و پیشروان جنبش کارگری باید تلاش کنند طبقه کارگر و زحمتکشان را نسبت به توهمات و فریب کاری‌های جناح‌های مختلف بورژوازی آگاه سازند و خارج از اینکه چه جناحی از بورژوازی قدرت را بدست گرفته است می‌باید مبارزه در عرصه‌های مختلف سیاسی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی علیه سرمایه‌داری را سازمان داده و گسترش دهند.

**در جامعه ای که سود جویی، ثروت اندوزی فردی و رقابت، مبانی فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد طبیعی است که از منابع طبیعی غیر قابل جایگزینی به شکل بی رویه بهره برداری می‌شود و محیط زیست تابع مطامع سرمایه‌داران و ثروت اندوزان می‌شود .**

**نابودی محیط زیست ضایعه‌ایست که سرمایه‌داری به ارمغان آورده است . سوسیالیسم به آینده بشریت و سعادت نسل‌های آینده نظر دارد. با اجتماعی شدن تولید و مبادله، امکان سازماندهی تولید با کمترین ضایعات زیست محیطی به وجود می‌آید . تولید به شیوه ای که کمترین آسیب را به محیط زیست برساند ، یکی از جنبه‌های تولید سوسیالیستی است و کوشش برای حفظ محیط زیست و تغییر شیوه‌های تولید سازگاری آن با محیط زیست از اهداف تکامل اقتصادی و اجتماعی در جمهوری فدراتیو شورایی جدایی ناپذیر است .**

**” از برنامه جمهوری فدراتیو شورایی**

**ایران ”**

## افزایش خودکشی در میان جوانان ایران؛ فریادی خاموش علیه فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سنت‌های مردسالارانه

اگر سرمایه‌داری به هدف کسب سود بیشتر و پایین آوردن هزینه‌های تولید موجبات بی‌کاری قابل توجهی از آحاد جامعه را فراهم می‌آورد، بخش عظیمی از ارزش‌های تولید شده را در صنایعی مانند صنایع نظامی، گسترش فحشا و تولید مواد مخدر بکار می‌گیرد، در سوسیالیسم هیچ فردی به ابزار باز تولید نظم اجتماعی و تولیدی حاکم بدل نخواهد شد، هیچ انسانی به سطح ماشین یا وسیله تولید تنزل نخواهد یافت و استعدادها و توانائی‌های افراد تحت هیچ شرایطی جهت پاسخ‌گویی به الزامات تولید مسخ و نابود نخواهد گردید. مشارکت مستقیم کل شهروندان در پروسه کار و حضور بلا واسطه آنان در برنامه‌ریزی تولید و کل فعالیت‌های اجتماعی از طریق شوراهای پشوتانه مؤثر تحقق و تأمین این هدف خواهد بود. در سوسیالیسم و ساختار شورایی اداره جامعه دیگر شاهد تکه تکه شدن انسان‌ها و به بند کشیده شدن آنان در سلول مشاغل نخواهیم بود. عناوینی از قبیل ارتش ذخیره کار یا جمعیت بیکار وجود نخواهد داشت. بازار و تجارت و داد و ستد از قلمرو زندگی مردم محو می‌گردد. به تولیداتی که در رابطه با نیازهای معیشتی و رفاهی شهروندان نیستند، بطور کامل پایان داده می‌شود. زمینه‌های مادی اعتیاد و روی آوری به مشاغل از نوع قاچاق و دلالی و نظایر اینها ریشه کن می‌گردد.

شرایط زندگی و تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور، جوان طبقات فرودست را به سمت چنین تصمیم‌های دردناکی سوق می‌دهد. راه‌هایی از این وضعیت، به تغییرات اساسی نیاز دارد. سرنگونی رژیم ارتجاعی و خلع ید از طبقه حاکم، گام‌های ضروری برای شکل‌گیری جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها بتوانند بر سرنوشت خود حاکم باشند. جامعه‌ای که در آن خبری از ستم و استثمار نباشد و هیچ‌کس به دلیل فشارهای اقتصادی، اجتماعی و نبود آزادی و عدالت اجتماعی مجبور به پایان دادن به زندگی خود نشود. در چنین شرایطی که معضلات متعددی مانند تبعیض‌های جنسیتی، افکار سنتی و مردسالارانه، نگرش‌های خرافی، نبود آزادی‌های سیاسی و مدنی، فقر، بیکاری و فقدان امنیت جانی و شغلی در جامعه غالب است، خودکشی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه بر درد و رنج خانواده و جامعه می‌افزاید. به جای تسلیم شدن به ناامیدی، جوانان و اقشار مختلف جامعه باید به مبارزه با عوامل فقر، تبعیض و سایر دشواری‌های جامعه سرمایه‌داری و نظام ارتجاعی حاکم بپردازند و نیروی خود را در مسیر تغییر و نجات انسان‌های بی‌شماری که روزانه قربانی شرایط فلاکت‌بار کنونی هستند، به کار گیرند.

آمارها و گزارش‌ها از افزایش چشمگیر خودکشی در میان نوجوانان و جوانان در ایران جمهوری اسلامی زده حکایت دارند. این بحران به وضوح نشان‌دهنده وخامت شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه‌ای است که فشارهای سنگین اقتصادی، سرکوب‌های سیاسی، نبود چشم‌اندازی روشن برای آینده و همچنین سلطه سنت‌های مردسالار و قوانین ارتجاعی مذهبی را تجربه می‌کند. نمونه‌ای دردناک از این بحران، خودکشی دختر ۱۶ ساله‌ای است که به دلیل اختلاف با مدیر مدرسه‌اش از طبقه ششم خانه‌ای خود را به پایین پرتاب می‌کند و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. این تراژدی هشدار است درباره فشاری که نوجوانان و جوانان ایرانی، به‌ویژه دختران، در جامعه با سنت‌های ارتجاعی تجربه می‌کنند. سنت‌های مردسالارانه و نگاه‌های جنسیتی نابرابر که توسط قوانین اسلامی حمایت می‌شوند، همراه با سیاست‌های فرهنگی و مذهبی رژیم جمهوری اسلامی، به گسترش فضای خفقان‌آور و ناامیدکننده‌ای برای جوانان و به‌ویژه دختران منجر شده است. در تلفیق با بحران‌های اقتصادی و فقدان امنیت شغلی، این فشارها به مجموعه‌ای از ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی منتهی شده‌اند. فشار قوانین و معیارهای خرافی و سخت‌جان سنتی، همراه با فقر و بیکاری، جوانان و نوجوانان را در شرایطی ناگوار قرار داده که گاه خودکشی را به عنوان راهی برای فرار از رنج‌های روزمره انتخاب می‌کنند. در واقع، نبود امید و چشم‌انداز روشن برای بهبود

## ادامه اعتصاب غذا در هفته چهل و سوم از کارزار ”سه‌شنبه‌های نه به اعدام“ در ۲۵ زندان مختلف

اعدام‌های سبعانه در سالگرد قیام آبان  
۱۳۹۸

همزمان با پنجمین سالگرد اعتراضات مردمی در قیام آبان ۱۳۹۸ شاهد افزایش اعدام‌های سبعانه و صدور این احکام ضدانسانی بویژه برای جوانانی هستیم که در اعتراضات ۱۴۰۱ بازداشت شده‌اند.

چنان‌که در هفته گذشته برای ۶ تن از متهمان پرونده اکباتان (میلاد آرمون ، علیرضا کفایی، علیرضا برمرزپورناک ، حسین نعمتی، نوید نجاران و امیرمحمد خوش‌اقبال ) در یک روند دادرسی سرتاپا تناقض، ناعادلانه و مبهم حکم اعدام صادر شد؛ همچنین یک زندانی سیاسی گمنام به اسم محمدمهدی که او نیز در اعتراضات ۱۴۰۱ بازداشت شده بود توسط شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی به اعدام محکوم شده است.

حکومت مستبد دینی حاکم بر ایران از سه‌شنبه گذشته تا کنون ۲۸ تن و از ابتدای آبان تا کنون بیش از ۱۳۳ تن شامل ۳ زن و ۱۳ شهروند افغانستانی را اعدام کرده که تنها در ۱۶ آبان ۱۸ تن اعدام شده‌اند.

حکومت اعدامی در ادامه اعدام‌های جنایتکارانه و سبعانه خود هفته پیش یک

صورت فعالانه از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام حمایت نمایند و صدای زندانیان گمنام و بی‌پناه در صف اعدام باشند.

اعضای کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام سه‌شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۳ در هفته چهل و سوم در ۲۵ زندان مختلف در اعتصاب غذا هستند.

همچنین باخبر شدیم که سیدعلیرضا رضوی، جوانی که از سوی قاضی صلواتی به‌خاطر درگیری با نیروهای سرکوبگر به افساد و محاربه محکوم شده بود، مخفیانه و بدون اطلاع خانواده حدود بیست روز پیش در زندان قزلحصار اعدام شده است.

زندان اوین (بند زنان، بند ۴ و ۸)، زندان قزلحصار(واحد ۳ و ۴)، زندان مرکزی کرج ، زندان تهران بزرگ، زندان اراک ، زندان خرم آباد ، زندان اسد آباد اصفهان، زندان دستگرد اصفهان ، زندان شیبان اهواز ، زندان نظام شیراز ، زندان بم ، زندان کهنوج ، زندان مشهد ، زندان قائمشهر ، زندان لاکان رشت (بند مردان و زنان )، زندان اردبیل ، زندان تبریز ، زندان ارومیه ، زندان سلماس ، زندان خوی ، زندان نقده ، زندان سقز ، زندان بانه ، زندان مریوان و زندان کامیاران

کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام  
سه‌شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۳

زندانی را در ملاء عام و یک زندانی به اسم احمد علیزاده را در زندان قزلحصار در یک اقدام ضد انسانی دو بار اعدام کرد و یک زندانی به اسم غفار اکبری در بازداشتگاه آگاهی ملکان در استان آذربایجان شرقی را زیر شکنجه‌های شدید به قتل رساند تا کلکسیون اعمال شوم خود را تکمیل کند.

همچنین باخبر شدیم که سیدعلیرضا رضوی، جوانی که از سوی قاضی صلواتی به‌خاطر درگیری با نیروهای سرکوبگر به افساد و محاربه محکوم شده بود، مخفیانه و بدون اطلاع خانواده حدود بیست روز پیش در زندان قزلحصار اعدام شده است.

در ایامی که حکومت، سرکوب و کشتار را علیه مردم در زنجیر به حد اعلا رسانده و ماشین اعدام را به‌پیش می‌راند، متقابلاً شاهد مقاومت زندانیان دربند هستیم به‌طوری که در ۲۵ زندان زندانیان عضو کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام با وجود تمام فشارها، ۴۳ هفته است که هر سه‌شنبه اعتصاب غذا می‌کنند و ندای نه به اعدام سر می‌دهند.

کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام ضمن محکوم نمودن تمامی اعدام‌ها در ایران از گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران خانم مای ساتو می‌خواهد جهت نجات جان زندانیان محکوم به اعدام که در این روزها در ایران بیش از حد افزایش یافته است اقدام جدی به عمل آورده و آمران و عاملان این عمل ضدانسانی را پاسخگو کند.

همچنین اعضای کارزار از مردم شریف می‌خواهد با اتحاد عمل و همبستگی به

## یک صد و هفتمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

سوسیالیسم و انقلاب اکتبر و دستاوردهای اتحاد شوروی، اما اندیشه‌های انقلاب اکتبر، حقانیت سوسیالیسم و لزوم انقلاب اجتماعی برای پایان دادن به فقر و نابرابری و جنگ و کشتار اهمیت بیشتری می‌یابد.

در یکصد و سومین سالروز انقلاب شکوهمند اکتبر، با وفاداری به آموزه‌های انقلاب سوسیالیستی اکتبر و آموزش از تجربیات جنبش کمونیستی و کارگری در سراسر جهان و نیز با درس‌گیری از فراز و فرودهای تاریخ جنبش کمونیستی کشورمان، اراده خود را در مبارزه برای سوسیالیسم که تنها راه خلاصی از بربریت سرمایه است، استوارتر و قوی‌تر سازیم.

یکصد و هفتمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر را به کارگران سراسر جهان شاد باش

می‌گوییم

برافراشته باد پرچم مارکسیسم - لنینیسم و

اندیشه‌های انقلاب اکتبر

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

هفتم آبان‌ماه ۱۴۰۳

نظری جنبش پرولتاریای جهان افزود. انقلاب اکتبر بواسطه سلسله‌ای از عوامل عینی و ذهنی از جمله مقابله خرد کننده دول امپریالیستی و انحرافات و اشکالاتی که در ساختمان سوسیالیسم پیش آمد، در نیمه راه متوقف شد. اما جنبش کمونیستی از هر شکستی درس‌ها آموخته و ققنوس‌وار از خاکستر خود بر می‌خیزد و بار دیگر پرچم ظفرنمون انقلاب اکتبر را بر ویرانه‌های نظام منحط سرمایه‌داری برافراشته خواهد کرد.

اکنون در نیمه اول قرن بیست و یکم در حالی که انقلاب انفورماتیک و هوش مصنوعی و رشد و تکامل ابزار تولید امکانات بی‌سابقه‌ای را برای تامین رفاه و آسایش انسان و حفاظت از محیط زیست و رشد و تکامل جامعه بشری فراهم نموده است، اما این ابزار تولید که محصول کار جمعی بشر است در مالکیت گروه اندکی از صاحبان سرمایه و ثروت در خدمت سود اندوزی استثمار و ستم و سرکوب و جنگ و کشتار بکار گرفته می‌شود. ماهیت ضد انسانی نظام سرمایه‌داری و بحران‌های ادواری آن با تمام تبعات ویران‌گرش علاوه بر افزایش شکاف و نابرابری و فقر و گرسنگی در اقصی نقاط جهان، وقوع جنگ‌های امپریالیستی به منظور تقسیم مناطق نفوذ و تسلط بر بازارهای کار و کالا و راه‌های تجاری و مواصلاتی و غیره را نیز اجتناب ناپذیر می‌سازد. جنگ در اوکراین، خاورمیانه، نسل‌کشی مردم فلسطین توسط رژیم نژادپرست اسرائیل، رشد فاشیسم و نژادپرستی نمونه‌های فاجعه‌بار بحران سرمایه‌داری است. امروزه بر غم تبلیغات دروغین و مسموم و همه‌حانه بورژوازی بر علیه

یک صد و هفتمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر را به کارگران سراسر جهان شاد باش می‌گوییم

یکصد و هفت سال از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر سپری می‌شود. در ۷ نوامبر سال ۱۹۱۷ (و به تقویم ژولینی ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷) انقلاب پرولتاریائی در روسیه به پیروزی رسید. و در تاریخ بشر برای اولین بار طبقه کارگر و زحمتکشان سیادت سیاسی، نظامی و اقتصادی استثمارگران و ستمگران را بر انداختند و پرولتاریا به‌مثابه طبقه حاکم اراده خود را در ساختار جمهوری شوراهای مستقر ساخت تا بتواند طبقات استثمارگر سرنگون شده داخلی و حملات دشمنان خارجی را درهم شکسته و گزار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را سازمان دهد.

انقلاب اکتبر همچنین صحت این تئوری مارکسیستی را به اثبات رساند که تغییرات عمیق اجتماعی در جامعه بشری نه تصادفی بلکه محصول زنجیره‌ای از قانونمندی‌های تکامل اجتماعی است. لنین رهبر انقلاب بزرگ پرولتاریای روسیه و انقلاب اکتبر و ادامه دهنده راه مارکس و انگلس، با تجزیه و تحلیل علمی قانونمندی‌های تکامل اقتصادی و اجتماعی عصر خود و اعلام گذار سرمایه‌داری به دوران امپریالیستی، رشد نا موزون سرمایه‌داری در این دوران را تئوریزه و امکان وقوع انقلاب در حلقه‌های ضعیف سرمایه‌داری را به اثبات رساند. کشف ماهیت سیاسی و اقتصادی امپریالیسم یکی از دست‌آوردهای تاریخی لنین رهبر انقلاب اکتبر بود که اندیشه‌های مارکس و انگلس را در تحلیل شرایط مشخص تاریخی سرمایه‌داری اوائل سده بیستم بکار گرفت و به گنجینه‌های عظیم

قراردادهای سری که تزار مخلوع روسیه با انگلستان و فرانسه امضا کرده بود و طبق مفاد آن قرار بود قسطنطنیه (استانبول) پس از خاتمه‌ی جنگ به روسیه داده شود و حکومت مخلوع «کرنسکی» نیز همان قراردادها را تأیید کرده بود، همگی باطل و کان لم یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند.

جمهوری سوسیالیستی روسیه و حکومت که مجری اوامر آنهاست، یعنی شورای کمیسرهای خلق، هر دو با تصرف خاک دیگران مخالفند، ما رسماً اعلام می‌داریم که قسطنطنیه مال ترک‌هاست و باید مثل سابق در تصرف مسلمانان باقی بماند.

ما رسماً اعلام می‌داریم که عهدنامه‌ها و توافق‌های پیشین روسیه و انگلستان که ایران را میان دو کشور امپریالیست تقسیم کرده بود، باطل و کان لم یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند (قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵)

ای ایرانیان! به شما قول می‌دهیم که به محض پایان عملیات نظامی، سربازان ما خاک کشورتان را تخلیه کنند و شما مردم ایران حق داشته باشید که آزادانه درباه‌ی سرنوشت آتی خود تصمیم بگیرید! □

رئیس شوراهای کمیسرهای خلق: لنین

کمیسر خلق برای امور ملیت‌ها: استالین»

اما اقدامات دولت نوپای شوروی به اینجا محدود نشد بلکه علاوه بر لغو کلیه قراردادهای اسارت‌بار روسیه تزاری تعهد کرد که در اخراج نیروهای نظامی انگلیس و عثمانی نیز به ایران کمک کند. این اقدامات در تداوم خود که با استقبال وسیع توده‌های مردم ایران و منطقه مواجه شده بود تمامی سطوح و عوارض استیلای روسیه تزاری بر ایران را دربر گرفت در بیست و ششم ژوئن ۱۹۱۹ پنجم تیرماه ۱۲۹۸ دولت کارگری شوروی در نامه‌ی رسمی به دولت ایران از جمله اعلام کرد که:

«۱- تمام بدهی‌های ایران مطابق تقبلات زمان تزاری الغا می‌شود؛

۲- روسیه به مداخله‌ی خود در عواید ایران از قبیل گمرکات و تلگراف‌خانه‌ها و مالیات‌ها پایان می‌دهد؛

۳- دریای خزر برای کشتیرانی در زیر پرچم ایران

## انقلاب اکتبر و لغو قراردادهای اسارت‌بار و معاهده سری روسیه تزاری و انگلیس برای تقسیم ایران

انقلاب اکتبر در ۱۴ آذر ۱۲۹۶ / پنجم دسامبر ۱۹۱۷، طی بیانیه‌ی در خطاب به خلق‌های تحت ستم از جمله درباره ایران اعلام کردند «رفقا و برادران!!

در روسیه حوادث بزرگی در حال تکوین و انجام گرفته است. جنگ خونین کنونی (جنگ جهانی اول) که با نیت تجاوز به سرزمین‌های بیگانه و تقسیم خاک ملل دیگر شروع شده، به پایان خود نزدیک می‌شود. دنیای دیگری پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است. این دنیا، دنیای رنجبران و ملل آزاد شده است. در پشت سر انقلابی که در روسیه انجام گرفته، حکومتی که مولود اراده‌ی کارگران و دهقانان روسی است، ایستاده است. ای مسلمانان مشرق زمین!! ای ایرانیان! ای ترک‌ها! ای عرب‌ها! ای هندوان! روی سخن ما با شماست: با شما که زندگانی‌تان، جانتان، مالتان و ناموستان قرن‌ها زیر پای غارتگران اروپایی مانده و له شده بود.

ما رسماً اعلام می‌داریم که تمام پیمان‌ها و

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تنها به تغییرات اوضاع جهان به سود تحولات اقتصادی و اجتماعی محدود نشد بلکه عوامل ذهنی ایجاد چنین تحولات انقلابی را در جهان و از جمله در کشور ما ایران فراهم کرد. پیروزی انقلاب اکتبر به پیدایش، تقویت و گسترش نفوذ معنوی و مادی آن نیروهای در جامعه انجامید که بدون وجود و حضور آنها جنبش‌های اجتماعی آزادیخواهانه و عدالت طلبانه ممکن نمیشد. جنبش خیابانی، جنگل، قیام کلنل محمدتقی خان پسیان، جمهوری شوروی گیلان، تاسیس حزب کمونیست ایران و سایر احزاب مترقی از همان اوان پیروزی انقلاب اکتبر تحت تاثیر آن بوجود آمدند و موفقیت‌هایی در سطوح مختلف مبارزه علیه ستم و استثمار، استبداد و استثمار از جمله نقش مهمی در لغو قراردادهای امپریالیستی ایفا کردند.

حاکمیت نوین شوروی بلافاصله پس از پیروزی



جنگهای خانمانسوز و ویران کننده از سوی قدرت های سرمایه داری و ارتجاع جهانی سرانجام زیر فشارهای بیرونی و انحرافات درونی با شکست مواجه گردیده است اما کماکان آرمانها و دست آوردهای اکتبر و خواست ها و مطالبات مطروحه خواست طبقه کارگر و میلیاردها انسان زحمتکش روی زمین است که تحت اسارت نظام سرمایه داری به سر میبرند. و برای رهایی از یوغ سرمایه داری و تبعات آن همچون جنگ و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی فقدان بهداشت فآوارگی، اعتیاد، تبعیضات نژادی، جنسی، ملی و غیره پیکار میکنند و طبقه کارگر و همه زحمتکشان و آنهائیکه دربند نظام جهنمی سرمایه اسیرند با ملاحظه تاریخ پرفراز و نشیب جنبش کارگری و سوسیالیستی باید از شکست ها و پیروزی های خود در سراسر جهان از جمله شکست شوروی درس گرفته و با روحیه ای انقلابی تر و آگاهی و تجربه فراتر به نبرد علیه سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم همت گمارند. ما نود و هشتمین سالگرد انقلاب اکتبر را به گردانهای طبقه کارگر ایران و جهان شادباش میگوئیم. فراموش نکنیم که انقلاب اکتبر آن چنان رویداد اجتماعی در تاریخ بشریت است که عظمت آن با هر گام بشر در هر کجای جهان در راه سعادت و پیکار آن برای پیشرفت اجتماعی و بنای یک جامعه فارغ از ستم و استثمار به نحو درخشانتری نمایان میگردد.

خ-عمواوغلی

امتیازات امپراطوری روسیه و پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهانه و ضد استثماری کارگران و دهقانان ایران نفوذ معنوی عمیقی در دل کارگران و زحمتکشان کسب کرد و نام لنین رهبر انقلاب اکتبر بمنزله مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان و ستمی آزادی و دادگری تادورترین محل کار و زندگی در شهر ها و روستا ها راه یافت. انقلاب اکتبر که اولین قدرت کارگری را در کره زمین برپا ساخته بود و نخستین دولت سوسیالیستی و سرآغاز گزار از سرمایه داری به جامعه ای فارغ از استثمار و طبقات و فارغ از ستم و تبعیضات و هرگونه بی عدالتی را به جامعه بشری نوید داد. از همان آغاز مورد نفرت سرمایه دارها و کشورهای امپریالیستی قرار گرفت و بیش از ۱۴ کشور امپریالیستی مشترکا برای نابودی کشور نو بنیاد کارگران و دهقانان وارد عملیات شدند و برغم مقاومت و مبارزه بی نظیر کارگران و زحمتکشان اتحاد شوروی اما این جنگها و توطئه ها برای به زانودر آوردن انقلاب اکتبر و نتایج و پیامد های آن همچنان ادامه یافت. انقلاب اکتبر با همه دشواریهای درونی و بیرونی به آنچنان موفقیت هایی در امر آموزش و پرورش، پیشرفت های علمی صنعتی و تامین کار و مسکن و بهداشت و زندگی عاری از ستم و استثمار و کثافات سرمایه داری بدست آورد که برغم از هم پاشی اتحاد شوروی دست آورد های آن برای بشریت قابل برگشت نیست

اکنون در حالی نود و هشتمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر را گرامی میداریم که این انقلاب با طی فراز و نشیب های فراوان و تحمل

آزاد اعلام می شود؛

۴- سرحدات شوروی با ایران مطابق اراده ی سکنه سرحدی معین خواهد شد؛

۵- تمام امتیازات دولت روس و امتیازات خصوصی باطل و از درجه ی اعتبار ساقط است؛

۶- بانک استقراضی ایران با تمام متعلقات، ملک ایران اعلام می شود؛

۷- خطوط تلگراف و راه های شوسه ی ساخته شده در طول جنگ به ملت ایران واگذار می شود؛

۸- اصول محاکمات و قضاوت سابق کنسول ها کلاً باطل می شود؛

۹- میسیون روحانی ارومیه منحل می شود؛

۱۰- تمام اتباع روسیه ی متوطن در ایران مکلف هستند کلیه ی عوارض و مالیات ها را بالسویه با اهالی تأدیه نمایند؛

۱۱- سرحد ایران و روس برای عبور آزاد و حمل مال التجاره باز می شود؛

۱۲- به ایران اجازه ی ترانزیت مال التجاره از روسیه داده می شود؛

۱۳- دولت روسیه از هرگونه مشارکت در تشکیل قوای مسلح در خاک ایران صرف نظر می نماید؛

۱۴- دولت روسیه به ملغی شدن کارگزاری ها رضایت می دهد؛

۱۵- به ایران اجازه داده می شود که در کلیه ی شهر و بخش های شوروی کنسول تعیین نماید. «

بدین ترتیب جمهوری جوان شوراهان تنها با اعلام پشتیبانی خود از مبارزات آزادیخواهانه و ضد استثماری و ضد استعماری کارگران و زحمتکشان آنها را در مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم یاری رساند بلکه راسا با لغو یکجانبه کلیه قراردادهای اسارتبار و مزایا و



## کوتاه درباره

# تبلیغ، آژیتاسیون و پروپاگاندا: درک تفاوت‌ها و اهمیت عملی

را به ما منتقل کند؛ چیزی فراتر از یک پیام ساده یا معرفی محصول.

در این میان، تبلیغات سیاسی نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این نوع تبلیغات با طرح ایده‌هایی خاص سعی در جلب حمایت عمومی دارد و اغلب به دنبال ترویج ارزش‌های طبقه‌ای خاص است. تبلیغاتی که به ما می‌گوید چگونه باید فکر کنیم، چه چیزی را ارزشمند بدانیم و به چه اهدافی باور داشته باشیم، از نظر محتوا و هدف متفاوت با تبلیغاتی است که فقط یک محصول مصرفی را معرفی می‌کند.

تبلیغات به نوعی سلاحی در میدان نبرد میان طبقات و ایدئولوژی‌ها تبدیل شده است. قدرت و تأثیرگذاری آن به توانایی‌اش در برقراری ارتباط با توده‌ها و شناخت درست از نیازها و احساسات آن‌ها بستگی دارد.

### آژیتاسیون و پروپاگاندا

آژیتاسیون و پروپاگاندا دو مفهوم مهم و جدایی‌ناپذیر در فرآیندهای مبارزه و آگاهی‌بخشی سیاسی و اجتماعی هستند، که هر یک نقش ویژه‌ای در رسیدن به اهدافی مشخص دارند. برای درک بهتر این مفاهیم و نحوه استفاده از آن‌ها، به بررسی تمایز میان این دو و کاربردهای عملی‌شان می‌پردازیم.

آژیتاسیون به معنای تهییج و برانگیختن برای اقدام در یک لحظه یا موضوع خاص است. این روش به‌طور معمول از زبان و ابزارهایی استفاده می‌کند که به توده مردم به راحتی قابل فهم و ملموس باشد. به‌طور مثال، یک آژیتاتور در اعتراض به افزایش قیمت‌ها ممکن است با تکیه بر یک مشکل روزمره و ملموس مانند گرانی نان، خشم مردم را تحریک کرده و آنان را به اعتراض علیه سیاست‌های اقتصادی فراخواند.

در مقابل، پروپاگاندا به ترویج ایده‌ها و باورها در قالبی گسترده‌تر و سیستماتیک‌تر می‌پردازد. هدف پروپاگاندا، ایجاد شناخت

اما در بطن خود حامل پیامی گسترده‌تر هستند.

برای ملموس‌تر کردن این موضوع، یک مثال ساده از تبلیغات روزمره می‌توان زد: فرض کنید یک تبلیغ تلویزیونی برای یک نوشیدنی انرژی‌زا را می‌بینید. در نگاه اول، پیام ساده به نظر می‌رسد: "این نوشیدنی به شما انرژی می‌دهد." اما اگر دقیق‌تر نگاه کنید، تبلیغ چیز دیگری را هم می‌گوید. صحنه‌هایی از ورزشکاران حرفه‌ای، ماجراجویی در طبیعت، و دستیابی به موفقیت‌های بزرگ نشان داده می‌شود. پیام ضمنی این است که اگر این نوشیدنی را مصرف کنید، شما هم می‌توانید بخشی از این سبک زندگی باشید: موفق، پرانرژی، و بی‌باک.

یا تصور کنید پوستری در ایستگاه مترو که یک ساعت لوکس را تبلیغ می‌کند. در نگاه اول، تنها تبلیغ یک کالا است، اما اگر دقیق شوید، مدل‌های شیک‌پوش با لباس‌های رسمی و صحنه‌هایی از جلسات مهم تجاری در پس‌زمینه، پیامی فراتر از محصول منتقل می‌کنند: این ساعت نماد جایگاه اجتماعی بالا، اعتمادبه‌نفس و موفقیت است.

این مثال‌ها نشان می‌دهند که تبلیغات به‌طور هدفمند از تصاویر، کلمات و احساسات استفاده می‌کند تا باورها و ارزش‌هایی خاص

سرمایه‌داری تنها با تکیه بر سیستم بانکی، ارتش و نیروی قهری و دادگاه‌های تحت فرمان خود دوام نمی‌آورد. این نظام با استفاده از گستره وسیع و متنوعی از ابزارهای تبلیغاتی نیز سلطه‌اش را تثبیت می‌کند. رسانه‌ها، آموزش و پرورش، علوم و هنر، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، رادیو، سینما، و تئاتر، همگی هر روز پیام‌های طبقه حاکم را در ذهن مردم می‌کارند. هر روزه، وقتی تبلیغاتی برای محصولی را می‌بینیم، از محتوای تلویزیونی تأثیر می‌پذیریم، یا در شبکه‌های اجتماعی با شعارها و مطالبی روبرو می‌شویم، همه این‌ها در واقع تلاشی‌اند تا افکار و احساسات ما را در مسیری دلخواه هدایت کنند.

در دنیای تبلیغات، ایده‌ها به شکلی هدفمند و برنامه‌ریزی شده در جهت جلب نظر و تحت تأثیر قرار دادن ما ارائه می‌شوند؛ گاه از طریق تصاویر جذاب، گاه با شعارهای ساده اما پرنفوذ. تصور کنید تبلیغاتی که از تلویزیون پخش می‌شود و به‌ظاهر تنها قصد معرفی محصولی ساده را دارد؛ اما در واقع لایه‌های عمیق‌تری از باورها و ارزش‌های خاص را به جامعه منتقل می‌کند. یا پوسترهایی که در ایستگاه‌های مترو، اتوبوس و خیابان‌ها نصب می‌شوند و به‌ظاهر فقط اطلاع‌رسانی می‌کنند،

عمیق‌تر از مفاهیم و تغییر نگرش‌های مردم نسبت به موضوعات بلندمدت است. به‌عنوان نمونه، یک پروپاگانديست با توضیح تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر زندگی کارگران، مفهوم کلی‌تری از بی‌عدالتی و ضرورت تغییر سیستم را ترویج می‌دهد.

### تفاوت‌های عملی و تاریخی میان

#### آژیتاسیون و پروپاگاندا

پُلخانف، یکی از چهره‌های برجسته مارکسیسم روسیه، این تفاوت را به‌خوبی توضیح می‌دهد: "یک پروپاگانديست ایده‌های زیادی را به یک یا چند نفر ارائه می‌کند، در حالی که آژیتاتور یک یا چند ایده را خطاب به توده مردم ارائه می‌کند." این تفاوت در مخاطبان و سطح پیام موجب می‌شود که آژیتاسیون و پروپاگاندا دو روش مکمل باشند؛ آژیتاسیون سریع و مستقیم عمل می‌کند و پروپاگاندا به‌طور عمیق‌تری ایده‌ها را جا می‌اندازد.

لنین نیز این تفاوت را در کتاب چه باید کرد به تفصیل بررسی می‌کند. به گفته او، یک پروپاگانديست در برخورد با مشکل بیکاری، ماهیت بحران‌های سرمایه‌داری، اجتناب‌ناپذیری این بحران‌ها و نیاز به دگرگونی جامعه به سوی سوسیالیسم را توضیح می‌دهد. در حالی که آژیتاتور با تمرکز بر موارد عینی مانند مرگ ناشی از گرسنگی در اثر بیکاری، مخاطبان خود را به سوی خشم و نارضایتی هدایت می‌کند.

مثالی ملموس از این تمایز، زمانی است که در اعتراض به حکم دادگاه علیه یک اتحادیه کارگری، آژیتاتور بدون ورود به بحث‌های پیچیده درباره ماهیت دولت سرمایه‌داری، احساسات مردم را برانگیخته و آن‌ها را به اعتراض علیه بی‌عدالتی‌های دستگاه قضایی فرا می‌خواند. این شیوه، اگرچه به سطحی از تحلیل نیاز ندارد، اما می‌تواند مردم را به‌سرعت به واکنش برانگیزد.

تصور کنید در یک کارخانه که کارگران از شرایط بهداشتی نامناسبی رنج می‌برند، یک آژیتاتور از کمبود صابون و دستمال توالت به‌عنوان نقطه‌ای برای برانگیختن کارگران علیه مدیریت استفاده می‌کند. این مسئله که برای کارگران کاملاً ملموس است، می‌تواند به‌سرعت اعتراضات را تقویت کند. در مقابل، یک پروپاگانديست ممکن است به موضوع سیستم کارمزدی در همین کارخانه پردازد و درک عمیق‌تری از روابط سرمایه‌داری به کارگران ارائه دهد.

همچنین، در شرایطی که گروهی از کارگران به موضوعات اجتماعی و ایدئولوژیک آگاهی دارند، پروپاگاندا واقع‌گرایانه می‌تواند به آن‌ها این امکان را بدهد که از تبلیغات سوسیالیستی درباره عدم اعتماد به مقامات بهره ببرند و ضرورت سازماندهی را درک کنند.

#### اهمیت تمایز میان آژیتاسیون و

#### پروپاگاندا

این تمایز نه تنها در تئوری بلکه در عمل نیز بسیار حائز اهمیت است. سوسیالیست‌ها باید درک کنند که گاهی آژیتاسیون برای برانگیختن سریع مردم لازم است، اما در عین حال پروپاگاندا می‌تواند زمینه‌ای برای پذیرش ایده‌های عمیق‌تر ایجاد کند. در غیر این صورت، آژیتاسیون به‌خودی‌خود نمی‌تواند منجر به تغییرات پایدار شود، همان‌طور که پروپاگاندا انتزاعی نیز بدون درک واقعی از شرایط و نیازهای مردم، بی‌تأثیر خواهد بود.

بنابراین، آژیتاسیون و پروپاگاندا به‌عنوان دو ابزار متفاوت و مکمل، می‌توانند در شرایط مختلف، بخش‌های مختلفی از جامعه را به‌سوی آگاهی و تغییر هدایت کنند.

### وظیفه کمونیست‌ها تنها

### فورموله کردن تئوری انقلاب

### ایران نیست، بلکه تئوریزه

### کردن ساختمان آن حزب

### انقلابی است که وظیفه دارد

### پیوند تئوری و پراتیک را

### عملی و رهبری این انقلاب را

### عهده‌دار گردد. بنابراین

### اهمیت این تئوری در آن

### خواهد بود که نقطه آغازش

### بر جمع‌بندی انتقادی پراتیک

### گذشته به‌منظور فائق آمدن

### بر موانع راه آینده این

### پیروزی استوار باشد.

# پاسخ به سوالات

بحث درباره همکاری و اتحاد بین نیروهای انقلابی همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات بین فعالین جنبش کمونیستی بوده است. مقاله “جنگ میان جنگ و موضع سوسیالیست اترناسیونالیست” که اخیراً در نشریه کار منتشر شده است، ضمن پرداختن به این که: چگونه نیروهای سوسیالیستی در برابر جنگ‌هایی که به بهانه دفاع یا پیشرفت انجام می‌شوند، موضع‌گیری می‌کنند، به بحث اینکه در شرایط کنونی وظیفه‌ی نیروهای انقلابی چیست و در چه بستری می‌توانند مبارزات مشترک خود را پیش ببرند؟ از منظر فدائیان کمونیست پاسخ می‌دهد در همین رابطه سوال زیر از طرف یکی از خوانندگان به دست ما رسیده است.

## سوال

اگر بر اساس شرایط مشخص کنونی “ضرورت اتحاد گسترده در یک جبهه انقلابی” نتیجه‌گیری این نوشتار تحلیلی است، پس چرا از “شورای همکاری” خارج شدید؟! دلیل آن زمان شما، مسترج از کنگره هم در اصل چندان قانع کننده نبود و نیست! (\*پیش بسوی اتحاد منسجم و مستحکم “طیف فدائی”)

## جواب:

با درود و تشکر

۱- شورای همکاری همان‌طور که از نام‌اش معلوم است. شامل همکاری چند نیرو و سازمان چپ و کمونیست است و نه اتحاد و یا جبهه، این همکاری‌ها و یا اتحاد عمل‌ها در موارد لزوم و برای تحقق هدفی معین، همواره وجود داشته و خواهد داشت به‌نظر ما نیازی به داشتن عناوینی نظیر شورای همکاری (که در درون به توهمات بین اعضا و در بیرون به انتظاراتی غیر واقع بینانه دامن می‌زند که قادر به پاسخ‌گویی بدان‌ها نیست)، نمی‌باشد. این همکاری‌ها در موارد لزوم و برای تحقق هدف معینی می‌تواند در سطح گسترده و یا و محدود برای رسیدن به هدفی مشترک و گذاشتن آکسیون و یا دادن اعلامیه شکل بگیرد.

۲- جبهه چپ انقلابی اتحاد جنبش‌های انقلابی فی‌الحال موجود در ایران را هدف خود قرار داده است پاسخ به نیاز شرایط حساس کنونی است. به‌نظر ما این تاکتیک در برهه کنونی می‌تواند

قیام و چه بعد از آن در این زمینه موفقیتی حاصل نشد. به‌نظر ما این دو هدف استراتژیک کماکان اهمیت خودش را حفظ کرده است. فدائیان کمونیست برای تحقق هر دو هدف تا به حال کوشش بسیار کرده است. اتحادهایی که یا فراخوان دهنده بودیم نظیر اتحاد چپ کارگری، اتحاد انقلابی و اتحاد نیروهای چپ و کمونیست و یا از فراخوان دهندگان و فعالین عملی بسیاری دیگر از این نوع همکاری‌ها بوده‌ایم که هر کدام با مشارکت تعداد زیادی از سازمان‌ها، احزاب و نهادها آغاز کرد اما بعد از هفت هشت سال به‌دلیل اختلافات جزئی و کلی آب رفت و از آخرین آن که شامل ۲۶ حزب و سازمان و نهاد بودند چند جریان باقی ماند که ما هم جزوی از آنها بودیم که به امید گسترش همکاری و اجرای وظایفی که هیچ کدام به تنهایی از عهده‌اش بر نمی‌آیدیم نشستیم در استکهلیم تشکیل دادیم و این بار تحت عنوان شورای همکاری به فعالیت ادامه دادیم. اما متأسفانه برغم تلاش‌هایی که شد این شورا گسترش پیدا نکرد و نه توانست کاری انجام دهد که از عهده خود سازمان‌ها بر نمی‌آمد. و برغم صرف انرژی و وقت در عمل دستاورد نظری و عملی در برداشت و حد اقل انتظاراتمان از آن هم بر آورد نشد. البته شکست اتحادهای قبلی اشتباه بودن چنین فرمی از اتحاد‌ها و همکاری‌ها را اثبات کرده بود. از این رو دیگر ضرورتی برای ماندن در آن چهار چوب ندیدیم.

۳- بنظر ما سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی امر طبقه کارگر است و طبقه کارگر نیروی اصلی

جنبش‌های اجتماعی موجود با جهت‌گیری ضد سرمایه‌داری را در یک جبهه انقلابی برای سرنگونی نظام حاکم و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ایران مبتنی بر شوراهای، گرد آورد و توازن فعلی قوای طبقاتی را به نفع کارگران و زحمتکشان تغییر دهد. امری که هم اکنون در میان بخشی از فعالین عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، محیط‌زیستی و زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار محروم تحت ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری و غیره در حال شکل‌گیری است. طبیعتاً چپ‌ها و کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها در داخل و خارج کشور هم که ممکن است سوسیالیست و کمونیست بودن همدیگر را قبول نداشته باشند، اما می‌توانند در زیر پلتفرمی در چهارچوب برنامه حداقلی پرولتاریا در چنین ساختاری از اتحاد گرد آیند و در مبارزه برای تحقق اهداف و مطالبات شان متحد شوند.

پس می‌بینید که جبهه انقلابی و شورای همکاری دو چیز کاملاً متفاوتی هستند صد البته ناقص همدیگر هم نیستند. حتماً می‌دانید که ما در همان جلسه استکهلیم و بعد از آن برغم مشارکت جدی مان در تدوین پلتفرم شورای همکاری همواره به ضرورت جبهه انقلابی برای پاسخ‌گویی به وضعیت موجود تاکید می‌کردیم.

اما پرسیده‌اید که چرا از شورای همکاری خارج شدیم؟

می‌دانید که تشکیل حزب طبقه کارگر ایران و جبهه چپ انقلابی از شعارهای استراتژیک فدائیان از همان بدو تاسیس آن بوده است. که به‌دلیل ضربات متعدد و وقایع بی‌شمار بعدی چه قبل از

## کار کمونیستی

نشریه سیاسی و تحلیلی

کار کمونیستی علاوه بر انعکاس

مواضع، نظرات و تحلیل های

سازمان، انعکاس دهنده مسائل

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه

های مختلف نیز هست. تحریریه

نشریه از میان مطالب رسیده انتشار مطالبی

را انتخاب و در الویت

قرار خواهد داد که مستقیماً برای

این نشریه ارسال شده باشند لذا

انتظار داریم انعکاس این مطالب

در سایر نشریات و سایت ها با ذکر

منبع و نام نویسنده صورت گیرد.

از طریق ایمیل ادرس زیر

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود

را با در میان بگذارید .

[kar@fedayi.org](mailto:kar@fedayi.org)

**تماس با سازمان اتحاد فداییان**

**کمونیست**

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

تلگرام

<https://t.me/fedayi1349>

اینستاگرام

[@fedayi\\_communist](https://www.instagram.com/fedayi_communist)

صدای فدائی

[@fedayi.voice](https://www.youtube.com/@fedayi.voice)

و اساسی چنین انقلابی است. طبقه کارگر باید حزب انقلابی خود را که به سوسیالیسم علمی مجهز و دارای برنامه، استراتژی و یکسری تاکتیک‌های معین و دیگر ملزومات حزب انقلابی طبقه کارگر بوده باشد، و در جریان مبارزات عملی جاری بتواند علاوه بر اکثریت کارگران، توده‌های انبوه زحمتکشان، یعنی متحدین مرحله‌ای خودش را هم با خود همراه سازد تا انقلاب سوسیالیستی را رهبری کرده و به ثمر برساند. کمک به تشکیل‌یابی حزبی و توده‌ای طبقه کارگر و در حد توان فراهم نمودن ملزومات نظری و عملی و ترویجی و تبلیغی رسیدن به چنین هدفی از وظائف اصلی ما بوده و خواهد بود.

۴- همکاری کمونیست‌ها چه در قالب تشکیلات و چه فرد تنها با مباحثه نظری و همکاری عملی برای رسیدن به وحدت حول یک برنامه پرولتاری و یکسری تاکتیک‌های اساسی ثمر بخش است که ضمن رفع موانع پراکندگی جنبش کمونیستی می‌تواند به هدف بالا، یعنی به شکل‌گیری حزب انقلابی طبقه کارگر خدمت کند و پروسه آن را تسهیل نماید.

۵- تجمع سازمان‌ها و افراد حول هدف کلی "سوسیالیسم" با نظرات و دیدگاه‌های ناسخ و منسوخ درباره مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم، دولت و غیره در واقع شکل دادن به یک تجمع پوپولیستی تحت نام "سوسیالیسم" است که در نهایت به خاطر همین اختلاف نظرات و برداشت‌های متفاوت امکان گسترش و عملی کردن آرزو هائی که به شکل پلاتفرم تنظیم می‌شوند را نداشته و فاقد دستاوردهای نظری و عملی خواهد بود. کمونیست‌ها نباید به‌خاطر ضعف و ناتوانی کنونی خود تجربیات تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی و معیارها و اصول شناخته شده مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم را نادیده بگیرند.

از همه اینها گذشته ادامه حضور در زیر تابلویی که در بیرون انتظارات و توهمات را دامن می‌زند اما محصول آن بسیار اندک و ناچیزتر از فعالیت تک تک سازمان‌ها و از جمله خود ما بوده و حداقل انتظارات ما را بر آورد نمی‌کرد دور از منطق بود.

